

کاهش فقر در ایران: چالش‌ها و افق‌ها

سعید قاسمیان*

برقراری عدالت اجتماعی مستلزم تحقق امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، افزایش امید به آینده در مردم و تأمین معاش و حفظ هویت آحاد جامعه است. به این منظور مطالعه وضعیت فقر و تدوین برنامه‌هایی به منظور کنترل کاهش آن از اهمیت بسیار برخوردار است.

در نظام‌های اقتصادی مختلف، الگوهای برای مبارزه با فقر و کاهش آن پیش بینی شده است. الگوی سوسیالیستی، الگوی توسعه انسانی، الگوی کلاسیک و الگوی نئوکلاسیک، همه با سخن‌های متفاوتی به پدیده فقر و راه‌حل کنترل و کاهش آن پرداخته‌اند. در ایران تحت تأثیر این الگوها، برنامه‌های متفاوتی به منظور کاهش فقر و نابرابری مطرح شده و به اجرا گذارده شده است اما هیچ یک تاکنون موفقیت قابل توجهی نداشته‌اند. مقاله حاضر ضمن بررسی این تجارب و نقاط قوت و ضعف آن‌ها ملاحظاتی را در طراحی و اجرای برنامه‌های کاهش فقر مطرح می‌کند.

کلیدواژه‌ها: الگوی توسعه، ایران، برنامه چهارم توسعه، توسعه هزاره، فقر

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۴/۶/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۲/۱۳

مقدمه

حضرت علی(ع) به پسرش محمد حنفیه سفارش کرد: ای فرزند، من از فقر بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان می‌کند و عامل دشمنی است. (نهج البلاغه، ۱۳۸۱: ۷۰۵ - حکمت ۳۱۹)

تأمین نیازهای اصلی جمعیت کشور گامی مهم در جهت برقرار عدالت اجتماعی به شمار می‌رود. این نیازها به سه بخش عمده تقسیم می‌گردند:

* دانشجوی دکترای مدیریت توسعه، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

S-Gasemiyani@mporg.ir

الف) برقراري امنيت از لحاظ داخلي و خارجي در ابعاد اقتصادي، اجتماعي و سياسي؛

ب) ايجاد آرامش خاطر در بين مردم و اميد به آينده در آن‌ها؛
ج) تأمين معاش مادي كافي و پرورش و حفظ هويت فرهنگي مناسب كليه آحاد جامعه. به منظور دستيابي کشور به تأمين نيازهاي اصلي فوق انجام دو دسته از اقدامات ضروري مي‌نمايد:

الف) از وقوع صدمات و خسارات عمده با مديريت صحيح اقتصادي، اجتماعي و سياسي پيشگيري‌هاي لازم صورت گيرد؛

ب) اثرات ناشي از صدمات و خسارات احتمالي آتي کاهش داده شود. ضروري است مبارزه با فقر و محروميت از سوي سياست‌گذاران و طراحان استراتژي‌هاي توسعه کشور به عنوان يکي از محورهاي اصلي و خاص برنامه‌ها مورد توجه قرار گيرد تا بدین ترتيب از رنج افراد محروم جامعه جلوگیری شود. بررسی فقر از مسائل پیچیده و چند وجهی است و شناخت و درک این پدیده در مطالعات کلان و خرد از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. این مقاله با وقوف به این‌که سیاست‌ها و برنامه‌های کاهش فقر در ایران با چالش‌های جدی نظری و عملی مواجهند، سؤالات اساسی زیر را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد:

- کاهش فقر با اتخاذ کدام الگوي توسعه با توجه به شرایط و مقتضيات کشور از کیفیت بالاتر و هزینه کمتر برخوردار است؟

- چشم‌انداز چالش‌های فقر در ایران از دیدگاه اهداف توسعه هزاره چگونه است؟
- برآورد حجم فقر و محرومیت کشور بر اساس مطالعات مختلف چگونه است؟ نرخ فقر در استان‌های مختلف کشور چه تفاوت‌هایی دارد؟

- کاهش فقر در قوانین مختلف کشور به‌ویژه قانون برنامه چهارم توسعه چه جایگاهی دارد؟
- بررسی‌های انجام شده به منظور اتخاذ استراتژی‌های کاهش فقر با چه چالش‌های عمده‌ای روبرو بوده‌اند؟

- برای طراحی و اجرای برنامه‌های آینده چه پیشنهادهایی می‌توان ارائه کرد؟

۱) مبانی نظری: کاهش فقر در الگوهای توسعه

توسعه، تحول نهادها و متناسب‌سازی آن‌هاست. بنابراین توسعه کاری علمی - تخصصی است و برنامه‌ریزی توسعه کاری ویژه است. برخی معتقدند که مشکل توسعه ایران، مشکل تفکر و اندیشه است. در ارتباط با توسعه، مکاتب و الگوهای

مختلفي وجود دارد. يکي فرآيند توسعه را مبتني بر تأمين نيازهاي اساسي مردم مي‌داند (الگوهاي نيازهاي اساسي) و مطابق آن بر اين باور است که براي توسعه، بايد فرد متوسط جامعه را محور قرار داد و منابع جامعه را به طرف تأمين نيازهاي او هدايت کرد، ديگري «جامعه» را هدف توسعه معرفي مي‌کند و آن ديگري «انسان» را. درک صحيح اندیشه‌هاي مربوط به هر يك از مکاتب و الگوها و شناخت رهيافت‌هاي توسعه براي ارائه طرح‌ها و ايده‌ها بسيار مهم است که اغلب يا انجام نشده يا به صورت پراکنده و در مورد بخشي از الگوها صورت گرفته است. موسسات تحقيقاتي و دانشگاه‌ها مطالعات منسجم بر روي هر يك از مکاتب و کارهاي علمي گسترده و پرورش پژوهشگران را انجام نداده‌اند. شايد مشکل اساسي توسعه ايران را بتوان فقدان مکتب فکري توسعه‌اي بومي و نهادينه شدن آن دانست. فراهم آوردن مجال موقعيت با آرامش خاطر، مکتبي فکري به وجود مي‌آورد که در چارچوب آن تحقيقات صورت بگيرد، فرضيه‌ها آزموده شوند، دانش‌پژوهاني پرورش يابند، اندیشه‌هاي کلان به اندیشه‌هاي خرد و سياست‌هاي اجرايي تبديل شوند و فقر نهايتاً کاهش يابد. (عظيمي، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

۱-۱) الگوی کلاسيک

- توسعه را در قالب رشد اقتصادي معني مي‌کنند. بنابراین به دنبال محرک‌هاي رشد اقتصادي در الگو هستند.
 - عامل اصلي در رشد اقتصادي را سرمايه‌گذاري مي‌دانند.
 - براي سرمايه‌گذاري بسيج پس‌اندازها ضرورت دارد. پس‌انداز از طريق طبقات سرمايه‌داران (سود) تأمين مي‌شود. بنابراین بايد سياست‌هاي دولت به سمتی برود که سود سرمايه‌دار به سمت کاهش نرود.
 - معتقدند که دولت کم‌ترين دخالت را بايد در اقتصاد داشته باشد براي آن‌که سرمايه‌گذاران سرخورده نشوند و دست نامرئي کار خود را انجام مي‌دهد. دولت در مواردی دخالت مي‌کند که بخش خصوصي با مکانيزم بازار انگيزه‌اي براي سرمايه‌گذاري در آن‌ها فراهم نمي‌کند، (آدام اسميت، ريکارديو، مالتوس، مارشال، هارود و دومار)
 - بنابراین اين الگو فقر را يك پديده عارضي و موقتي تلقي مي‌کند که با نشت فوائد و منافع رشد به پايين از بين خواهد رفت.

۲-۱) الگوی مبتنی بر سوسیالیسم (مارکسیستی و نئومارکسیستی)

- عمدتاً نقش بازار را منکر می‌شود؛ بنابراین بر برنامه‌ریزی متمرکز تکیه دارد و دستوری است.
- در استراتژی توسعه به توسعه صنایع سنگین تاکید می‌کنند و بیشترین منابع را به این امر اختصاص می‌دهند.
- بسیج منابع برای توسعه صنایع سنگین از طریق مازاد بخش کشاورزی تامین می‌شود (ماکس، انگلس، لنین).
- نقش بازار را محدود می‌دانند و فقط در بعضی زمینه‌ها اجازه فعالیت به بخش خصوصی می‌دهند.
- در نظریه‌های وابستگی، توسعه نیافتگی کشورها ریشه در وابسته بودن آن‌ها به نظام امپریالیسم خارجی دارد. (پل بارون، سوئیزی، فرانک و سمیرامین)
- در نظریه‌های ساختارگرایی درآمد سرانه پایین را تنها ویژگی توسعه نیافتگی نمی‌دانند بلکه عوامل ساختاری شامل تولید، نهادهای اقتصادی و... را نیز موثر می‌دانند. (فورتادو، هیرشمن، راثول پربیش)
- در این نظریه بخش سنتی در کنار بخش مدرن است، بخش مدرن به سرمایه خارجی نیاز دارد.
- فقرزایی نیازمند تغییرات ساختاری و به هم خوردن مناسبات قدرت به نفع فقرا و طبقات فرودست است.

۳-۱) الگوی سازمان‌های جهانی (بانک جهانی و سازمان ملل)

- سازمان ملل در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دستیابی به توسعه را به ترتیب، رسیدن به معادل ۶۵ درصد رشد اقتصادی می‌داند.
- عدم تحقق توسعه در کشورهای در حال توسعه منجر به ارائه الگوی نیازهای اساسی از سوی بانک جهانی در دهه بعد از ۱۹۷۰ گردید.
- بر اساس الگوی نیازهای اساسی تامین غذا، پوشاک، بهداشت و مسکن مطرح شد که تمام کشورها حداقل‌هایی را فراهم می‌کنند.
- کاهش فقر نیازمند عزم جهانی (محلی، ملی، بین‌المللی) است که توسعه هزاره نمودی از این تلاش می‌باشد.

۴-۱) الگوی توسعه انسانی

- محور این الگو این است که توسعه در خدمت انسان است.
- توسعه را به عنوان بهبود کیفیت زندگی تمام مردم تعریف می‌کنند.
- تأمین معاش اقتصادی با دستیابی به رشد اقتصادی را مورد تأکید قرار می‌دهند.
- بر عزت و اتکاء به نفس در کل جامعه تأکید می‌شود (جامعه در مقابل کشورهای دیگر احساس خوداتکائی کند) و آنچه موجب استنمار فرد از سوی دیگران و حقارت خود فرد می‌شود از بین می‌رود.
- دامنه آزادی انتخاب فرد افزایش می‌یابد.
- کاهش فقر درآمدی و افزایش دسته‌جمعی و بهره‌مندی از خدمات اساسی از اولویت‌های برنامه‌های فقرزدایی محسوب می‌شوند.

۵-۱) الگوی نئوکلاسیکی

- به جز سرمایه فیزیکی، به عامل سرمایه انسانی در رشد اقتصادی توجه دارند.
- سرمایه انسانی را در آموزش و سلامت انسان‌ها جستجو می‌کنند.
- به عنصر تحقیق و توسعه در رشد و توسعه اقتصادی بها می‌دهند و سعی می‌کنند در الگوهای رشد مدنظر قرار دهند.
- راه‌حل‌های نئوکلاسیک‌ها برای کشورهای در حال توسعه آزادسازی و خصوصی‌سازی است.
- نقش دولت را بیشتر در تامین شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری از نظر حقوقی جستجو می‌کنند.
- این الگوها، برنامه‌های دولت محور را به تنهایی برای کاهش فقر ناکامی و ناکارآمد می‌دانند و از این‌رو به گسترش نقش بخش خصوصی و جامعه مدنی در سیاست‌های توسعه‌ای و اجتماعی و برنامه‌های کاهش فقر تأکید می‌کنند.
- الگوهای توسعه هرگز نمی‌توانند به عنوان سامانه‌های از پیش طراحی شده برای کشورها، آن‌ها را در مسیر توسعه قرار دهند. به بیان دیگر هر کشوری بنا به شرایط داخلی خود و ملاحظات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باید الگوی بومی مناسبی را برای خود طراحی نماید. با توجه به این‌که الگوهای توسعه مسیر تاریخی و تکاملی خود را بر پایه دانش و تجربه انسان در برخورداری از یک اقتصاد و جامعه سالم و پیشرفته طی کرده‌اند و با در نظر گرفتن این واقعیت که صاحب‌نظران توسعه اکنون در رهیافت‌های خود محور توسعه را تعالی و بهره‌مندی هر چه بیشتر انسان از توسعه می‌دانند به نظر می‌رسد که الگوی توسعه انسانی پس از انطباق با شرایط و مقتضیات

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران در بین اندیشمندان، صاحب‌منصبان سیاسی و اجتماعی از مقبولیت بیشتری برخوردار باشد چرا که باورها و ارزش‌های فرهنگی و دینی ایرانیان نیز با ساخت‌واره‌های این الگو انطباق بیشتری دارد. اکنون ایجاد زیرساخت‌های توسعه اجتماعی و انسانی از اولویت‌های مهم دولت در دستیابی به اهداف خود می‌باشد. حل مسائل و مشکلات بخش‌های اجتماعی و اصلاح این بخش‌ها با استفاده از روش‌های علمی گام مهمی برای رسیدن به توسعه انسانی پایدار محسوب می‌شود که زمینه مناسبی را برای کاهش فقر فراهم می‌آورد. در دهه اخیر کیفیت زندگی انسان‌ها در سراسر جهان مورد توجه محافل و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته و میثاق‌های بین‌المللی زیادی در این رابطه پدید آمده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها اجماع کشورهای عضو سازمان ملل متحد در تحقق اهداف توسعه هزاره Millennium Development Goals است که عنوان بحث بعدی مقاله اخیر است.

۲) کاهش فقر از دیدگاه اهداف توسعه هزاره (MDG: Millennium Development Goals)

توسعه هزاره از سوی رهبران ۱۹۸ کشور در اجلاس سران سازمان ملل امضاء شد تا بدین وسیله تعهد و خواست ملت‌هایشان و نیز جامعه بین‌المللی را نسبت به دستیابی به اهداف توسعه هزاره تا سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵ میلادی) قویاً مورد تأکید قرار دهند. جمهوری اسلامی ایران «اعلامیه هزاره» را امضاء کرده است. اهداف توسعه هزاره در مورد یک سلسله از اهداف زمان‌بندی شده و قابل اندازه‌گیری شامل مبارزه با فقر و گرسنگی، بیماری‌ها، بی‌سوادی، تخریب محیط‌زیست و نابرابری جنسیتی و نیز ایجاد یک مشارکت جهانی برای توسعه می‌باشند. خلاصه‌ای از وضعیت اهداف توسعه هزاره شامل آرمان‌ها، اهداف و وضعیت نظارت و ارزیابی ایران در جداول شماره ۱ و ۲ آمده است. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴)

جدول ۱: وضعیت اهداف توسعه هزاره در یک نگاه

وضعیت حمایت ملی			آیا آرمان‌ها و اهداف تحقق خواهند یافت			آرمان‌ها/ اهداف
ضعیف اما روبه بهبود	مناسب	قوی	ضعیف اما روبه بهبود	مناسب	قوی	
	<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>	ریشه‌کن فقر و گرسنگی: به نصف رسانیدن جمعیت زیر خط فقر و دچار گرسنگی تا سال ۱۳۹۳
	<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>		دستیابی همگانی به آموزش ابتدایی: حصول اطمینان از دسترسی همه دختران و پسران به یک دوره کامل آموزش ابتدایی تا سال ۱۳۹۴
<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>		بهبود برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان: از بین بردن نابرابری‌های جنسیتی در آموزش ابتدایی و متوسطه تا سال ۱۳۸۴ و در همه سطوح آموزش تا سال ۱۳۹۴
	<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>	کاهش مرگ و میر کودکان: کاهش ۲/۳ مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج‌ساله بین سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۴
	<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>	بهبود مادران در چهارچوب بهداشت باروری: کاهش ۳/۴ نرخ مرگ‌ومیر مادران بین سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۴
<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			مبارزه با آ‌ی وی/ ایدز: نصف کردن افراد آلوده به این بیماری تا سال ۱۳۹۴ و معکوس کردن روند گسترش آن
	<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>		دستیابی به محیط زیست پایدار: یکپارچه کردن سیاست‌های زیست محیطی در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه کشور و معکوس کردن روند تخریب محیط زیست

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴: ۱۴

کاهش فقر در ایران: چالش‌ها و افق‌ها

ظرفیت موجود برای															آرمان
نظارت و ارزیابی			کابرد داده‌ها در سیاست‌گذاری			ردیابی آماری			کیفیت جستجوی اطلاعات			جمع‌آوری داده‌ها			
ضعیف	مناسب	قوی	ضعیف	مناسب	قوی	ضعیف	مناسب	قوی	ضعیف	مناسب	قوی	ضعیف	مناسب	قوی	
	<input checked="" type="checkbox"/>		<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>		ریشه‌کنی فقر و گرسنگی
	<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>		دستیابی همگانی به آموزش ابتدایی
	<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>		بهبود برابری جنسیتی
	<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>		<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>		کاهش مرگ‌ومیر کودکان
	<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>		<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>		بهبود سلامت مادران در چهارچوب بهداشت باروری
	<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>		مبارزه با اج‌آی‌وی/ایدز و سایر بیماری‌ها
<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>			دستیابی به محیط‌زیست پایدار

جدول ۲: ظرفیت نظارت و ارزیابی آرمان‌های اهداف توسعه هزاره

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴: ۱۴

در این گزارش درصد خانوارهای زیر خط فقر که با درآمد کمتر از یک دلار بر حسب برابری قدرت خرید (PPP: Purchase Power Parity) در روز زندگی می‌کنند از ۲/۲۴ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۰/۶۲ درصد در سال ۱۳۸۱ کاهش زیادی یافته است*؛ اما هنگامی این شاخص براساس درآمد دو دلار در روز برآورد می‌شود، که برآورد واقع‌بینانه‌تری برای تعیین حداقل درآمد مورد نیاز برای رهایی از فقر شدید در کشورهای با درآمد متوسط وجود داشته باشد. در سال ۱۳۸۱ بیش از ۶ درصد از جمعیت کشور دچار فقر شدید بوده‌اند. همچنین براساس اطلاعات این گزارش خط فقر غذایی به عنوان جانشینی برای خط فقر ملی، از ۱۲/۷۵ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۸/۹۹ درصد در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته است.

گزارش تهیه شده برای هر یک از ۸ آرمان اهداف توسعه هزاره در چهار بخش:

(الف) دستاوردهای حاصله؛ (ب) سیاست‌ها و برنامه‌های توانمندساز؛

(ج) چالش‌های عمده و همکاری‌های توسعه؛ و (د) فرآیند ردیابی، نظارت و ارزیابی؛ مورد بررسی قرار گرفته است.

۳) برآورد حجم فقر و تفاوت آن در استان‌های کشور

اولین مطالعات جامع مسئله فقر در کشور از سوی زنده‌یاد دکتر حسین عظیمی بر اساس آمارهای مصرف خانوارهای شهری و روستایی ایران، طی سال‌های ۵۴-۱۳۵۳ در موسسه برنامه‌ریزی ایران انجام و نتایج اولیه آن در گزارش ویژه‌ای به زبان انگلیسی منتشر شد. (Azimi, 1977) در این مطالعه ضمن بررسی تفصیلی ابعاد مختلف فقر و ارتباط آن با مسائل توسعه اقتصادی و الگوی توزیع درآمد، مشخص گردید که حجم فقر در ایران آن زمان، همان‌گونه که از تحلیل نظری مباحث توسعه اقتصادی نیز بر می‌آید بسیار گسترده است. خلاصه نتایج این گزارش در زمینه حجم فقر در کشور به شرح زیر است.

جدول ۳: حجم جمعیت آسیب‌پذیر در سال ۱۳۵۱: کمبود تغذیه‌ای در سطوح مختلف

(به میلیون نفر)

* بررسی انجام شده از سوی دکتر شیبانی (۱۳۸۳) خط فقر را با استفاده از مدل انگل برای سال ۱۳۷۹ ده برابر خط فقر برآورد شده به میزان ۹/۷۲ درصد برآورد کرده است (شیبانی، ۱۳۸۴: ۴) با توجه به ارائه نتایج مطالعات انجام شده در بخش دوم این گزارش، انتخاب مدل مناسب با استفاده از اطلاعات و داده‌ها برای ارائه نتایج محاسبات مجدد بسیار ضروری می‌نماید. (Purchase Power Parity)

مناطق	موارد بسیار شدید کمبود تغذیه	موارد شدید کمبود تغذیه	متوسط کمبود تغذیه	کل موارد
شهری	۰/۲۱۵	۴/۰۱۶	۴/۱۷۷	۸/۴۰۸
روستایی	۰/۵۵۳	۲/۳۱۴	۳/۲۸۰	۶/۱۴۷
کل	۰/۷۶۸	۶/۳۳۰	۷/۴۵۷	۱۴/۵۵

جمعیت کل کشور در سال ۱۳۵۱ معادل ۳۰/۸ میلیون نفر (۱۷/۹ میلیون نفر شهری و ۱۲/۹ میلیون نفر روستایی) برآورد گردیده است، بر مبنای برآوردهای فوق حدود ۴۷ درصد از جمعیت شهری و ۴۸ درصد از جمعیت روستایی کشور در آن زمان دچار فقر بوده‌اند.

بررسی دیگر انجام شده در زمینه برآورد حجم فقر و محرومیت کشور در سال ۱۳۶۷ بر اساس شاخص‌های تغذیه‌ای مسکن بیان‌گر این است که به ترتیب ۳/۷ میلیون خانوار و یا ۱۵/۲ میلیون نفر و ۱۶/۴ میلیون نفر از جمعیت کشور دچار فقر و محرومیت می‌باشند.

حجم فقر و محرومیت جامعه در سال ۱۳۶۷ حدوداً از نظر کمیت مطلق معادل موارد کمبود تغذیه در سال ۱۳۵۱ برآورد گردیده است. اگر این دو مفهوم قابل مقایسه باشند، باید با توجه به افزایش شدید جمعیت طی این دوره تأکید کرد که حجم نسبی فقر و محرومیت در سال ۱۳۶۷ نسبت به سال ۱۳۵۱ شدیداً کاهش یافته است. به عبارت دیگر در سال ۱۳۵۱ حدود ۴۷/۵ درصد از کل جمعیت کشور دچار فقر و محرومیت بوده و این رقم در سال ۱۳۶۷ به حدود ۲۸ درصد کاهش یافته است. در هر حال، مسئله عمده این است که جامعه ما در سال ۱۳۶۷ در شرایط جنگ تحمیلی، تورم و رکود اقتصادی با حدود ۱۵ میلیون نفر فقیر و محروم در سطوح پایین زندگی مواجه بوده است و از آنجا که حتی یک فرد فقیر معادل یک دنیا فقیر و محرومیت است، نمی‌توان برای لحظه‌ای آسوده از کنار این مشکل گذشت. (عظیمی، ۱۳۷۱: ۲۲۰)

در مجموعه مطالعات انجام شده از سوی دکتر پژوهان در طرح «سیستم حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر» با استفاده از آمار و اطلاعات بودجه خانوار خط فقر و درصد خانوارهای زیر خط فقر تعیین شده است. در جدول شماره ۴ این محاسبات طی دوره ۱۳۶۲-۷۳ آمده است. (پژوهان، ۱۳۷۵: ۵۵)

جدول ۴: خط فقر و درصد زیر خط فقر در فاصله سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۷۳

عنوان	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۹	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳
خط فقر شهری	۱۳۶۳۰	۱۴۶۸۱	۱۵۵۰۵	۲۸۰۸۱	۳۵۱۷۵	۴۸۱۹۹
درصد د زیر خط فقر	۳۰/۲	۳۵	۳۶/۴	۱۴/۸	۱۱/۲	۱۳/۷

سراثة سالانه (ریال)

روند فقر در اقتصاد ایران و ارتباط نزدیک آن با روند رشد اقتصادي و توزیع درآمد در بررسی مشخصات خانوارهاي فقیر امکان این رابطه را در قالب سهم بالاي خانوارهاي با سرپرست شاغل و قادر به فعالیت اقتصادي در میان خانوارهاي فقیر تایید می‌کند.

مطالعة دیگری در بررسی کمی رابطه بین فقر، توزیع درآمد و رشد اقتصادي به محاسبه کشش فقر نسبت به رشد و کشش فقر نسبت به توزیع درآمد می‌پردازد و نشان می‌دهد که رشد اقتصادي در قالب مناسبات فعلی اقتصاد ایران توانایی کاهش فقر را دارد. بررسی درصد جمعیت زیر خط فقر شهری و روستایی در جدول شماره ۵ طی دوره ۷۶-۱۳۶۹ آمده است. (سوري، ۱۳۷۷: ۳۵۵)

جدول ۵: جمعیت شهری و روستایی زیر خط فقر در دوره ۷۶-۱۳۶۹

عنوان	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
درصد جمعیت شهری زیر خط فقر	۱۴	۱۵	۱۵	۱۴	۱۴	۱۴	۱۵	۱۴	۱۴
درصد جمعیت روستایی زیر خط فقر	۱۸	۱۸	۱۸	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۵	۱۶

اندازمگیری فقر در روستا نشان‌دهنده آن است که روندي کاهنده تا سال ۱۳۷۳ و روند فزاینده در سال ۷۴ و مجدداً روندي کاهنده تا سال ۱۳۷۷ را شاهد بوده‌ایم.

شاخص نسبت خانوارهای فقیر شهری در سال ۱۳۷۳ به حداقل می‌رسد و سپس در سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ افزایش می‌یابد. بررسی دیگر انجام شده مبین این نکته است که نسبت جمعیت زیر خط فقر در مناطق شهری در سال ۱۳۷۴ در سناریوی نازل با سبد غذایی بسیار ارزان برابر با ۳۶/۵ درصد و با سبد غذایی تامین‌کننده، همان میزان کالری (۲۵۰۰ کالری) ولی با کیفیتی کمی بالاتر برابر با ۵۹/۶ درصد برآورده گردیده است. (اخوی، ۱۳۷۵)

همچنین با استفاده از روش‌های روانتری و ارشانسکی خط فقر مطلق برای سال‌های ۶۲ تا ۶۹ محاسبه شده است و نتیجه گرفته شده که ۵۰ درصد از جمعیت شهری به کمبود مصرف کالری و ۶۰ درصد به کمبود مصرف کالری و پروتئین دچارند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ۵۵ درصد از انرژی متابولیستی و ۶۰ درصد از پروتئین مورد نیاز شهرنشینان از نان تأمین می‌شود. (حسن‌زاده، ۱۳۷۳)

دینی در مقاله تحقیقی «بررسی وضعیت فقر غذایی در ایران» با بررسی الگوی غذایی و تغییرات آن در سال‌های مختلف سبد غذایی را طی سال‌های ۷۳-۷۱ نامطلوب و افزایش روند سهم نان را در این سبد ناشی از وخیم‌تر شدن وضع اقتصادی خانوار ارزیابی می‌کند. محقق بر مبنای معیار تغذیه نرمال و با در نظر گرفتن سهم یارانه‌های خوراکی نشان می‌دهد که ۵۵ درصد از جامعه شهری و ۶۵ درصد از جامعه روستایی در سال ۱۳۷۳ زیر خط فقر قرار داشتند. (دینی، ۱۳۷۵)

گروه پژوهش آمارهای اقتصادی با استفاده از معکوس ضریب انگل دهک اول درآمدی نشان داده که ۱۰/۵ درصد از خانوارهای شهری در سال ۱۳۷۹ زیر خط فقر مطلق بودند. بر پایه تحقیقات این گروه با معیار نیاز به حداقل کالری در روز (۲۱۷۶ کالری) ۱۲/۳ درصد از خانوارها، بر مبنای ۲۳۰۰ کالری در روز ۱۴/۱ درصد از خانوارها، بر مبنای ۵۰ درصد میانه مخارج ۱۵/۷ درصد از خانوارها، بر مبنای ۶۶ درصد میانه مخارج ۲۶/۷ درصد از خانوارها، بر مبنای ۵۰ درصد میانگین مخارج ۲۸/۷ درصد از خانوارها، بر مبنای ۶۶ درصد میانه مخارج ۴۳/۹ درصد از خانوارهای و بر مبنای معکوس ضریب انگل کل ۲۸/۳ درصد از خانوارهای شهری در سال ۱۳۷۹ زیر خط فقر بودند.

جدیدترین یافته‌های پژوهشی که از سوی پژوهشکده آمار ارائه شده است برآورد درصد خانوارهای زیر خط فقر بر اساس نیاز به ۲۳۰۰ کالری را به شرح جدول شماره ۶ ارائه نموده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳: ۱۳)

جدول ۶: برآورد درصد خانوارهای زیر خط فقر بر اساس نیاز به ۲۳۰۰ کالری طی سال‌های ۸۲-۱۳۸۰ (درصد)

سال	عنوان	شهری	روستایی
۱۳۸۲	۱۲	۱۱	۱۰
۱۳۸۱	۱۱	۱۰	۱۰
۱۳۸۰	۱۱	۱۱/۵	۱۰

ماحصل پژوهش‌های انجام شده مبین روند کاهش حجم فقر بوده است هر چند گستردگی و پایداری فقر در ایران با وجود پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی و اجرایی برنامه‌های توسعه و توجه دولت همچنان پابرجا می‌باشد.

سازمان‌های دولتی و غیردولتی متعددی در جامعه ما و به‌ویژه در سال‌های پس از انقلاب در جهت حمایت از محرومان و فقرا ایجاد شده که به ارائه کمک‌های مستمر و موردی به این قشر وسیع از جمعیت کشور اشتغال دارند. آمار و اطلاعات کمی لازم در زمینه جمعیت و خانوار تحت پوشش تمامی این سازمان‌ها و نهادها به‌ویژه نهادهای غیررسمی در اختیار نیست. اما شواهد حاکی از گستردگی حجم عملیات نهادهای غیررسمی (عمدتاً از طریق انواع امور خیریه مذهبی از جمله وقف، مراسم خاص، وجوهات شرعی و...) دارد. از آنجایی که اطلاعات و آمار مربوط به خانوارها و جمعیت تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی کشور در اختیار نگارنده است که با فرض معادل بودن جمعیت و خانوار تحت پوشش سایر سازمان‌ها و نهادهای کمک‌رسانی معادل جمعیت تحت پوشش دستگاه‌ها فوق باشد. بر این اساس محاسبات لازم صورت گرفته و برآورد می‌گردد که با توجه به ۱/۵ میلیون خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام‌خمينی(ره) و ۲۵۰ هزار خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور مجموعاً به جمعیتی برابر ۵۷۵۰ هزار نفر می‌رسد که این افراد عمدتاً از محروم‌ترین اقشار جامعه هستند بنابراین برآورد کل تعداد خانوارها به ۳/۵ میلیون خانوار با جمعیتی معادل ۱۱/۵ میلیون نفر معادل ۱۶/۸ درصد از جمعیت کشور در سال ۱۳۸۴ می‌گردد.

این سازمان‌ها و نهادها به دلیل مشکلات مالی قادر به ارائه خدمات در سطح وسیع نیستند و از طرف دیگر بسیاری از محرومان و فقرا به دلایل مختلف روانی، فرهنگی و اجتماعی از مراجعه به این سازمان‌ها و نهادها خودداری می‌کنند. لذا حجم جمعیت و خانوار تحت پوشش این سازمان‌ها و نهادها مبین حداقل‌های مربوط به جمعیت فقیر و محروم جامعه است.

همان‌طور که ملاحظه گردید پژوهش‌های مختلف فوق در تعیین خط فقر و درصد خانوارهای زیر خط فقر برای سال‌های مختلف و با استفاده از روش‌های مختلف صورت گرفته است. بدیهی است تنوع دیدگاه‌ها، روش‌ها، داده‌ها، مبانی محاسباتی و...

در تعیین خط فقر از يك سو به یافته‌های متعدد و گاهی کاملاً متفاوت انجامیده و از سوي ديگر امکان بررسی‌های مقایسه‌ای و ارزیابی‌های عملیاتی را محدود کرده است. به هر حال با عنایت به اهمیت ذاتی مطالعات علمی در حوزه‌های اجتماعی - اقتصادی به لحاظ تنوع و تکثر دیدگاه‌ها و روش‌ها به نظر می‌رسد تعریف يك روش معین مبتنی بر دیدگاهی فراگیر که در سطوح منطقه‌ای و جهانی کاربرد گسترده‌تر داشته باشد به لحاظ ایجاد امکان استفاده موثر از تجارب بین‌المللی و ارزیابی‌های تطبیقی و افتراقی استراتژی‌های کاهش فقر در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی ضروری است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در استان‌های کشور و مناطق شهری و روستایی هر استان در سال ۱۳۷۷ تفاوت چشمگیری در میزان مصرف و نرخ فقر به چشم می‌خورد. معمولاً فقر در هفت منطقه از نواحی مرکزی ایران که به لحاظ صنعتی توسعه‌یافته‌تر هستند و شهرهای بزرگتری دارند (تهران، اصفهان و قم) بسیار کمتر است. استان‌های ساحلی دریای خزر، ۳ استان شمال غرب ایران و سه استان در حاشیه خلیج فارس میزان متوسطی از نرخ فقر را نشان می‌دهند. استان‌های غربی، که مناطق عشایر نشین سلسله کوه‌های زاگرس را دربرمی‌گیرد و استان‌های بیابانی شرق ایران بیشترین میزان فقر را نشان می‌دهد. میزان نرخ فقر به تفکیک استان و منطقه در سال ۱۳۷۷ در جدول شماره ۷ آمده است. (بانک جهانی، ۱۳۷۷: ۴۹)

جدول ۷: نرخ فقر به تفکیک استان و منطقه، ۱۳۷۹

روستایی			شهری			
درصد	روستایی	درصد	درصد	شهری،	درصد	استان
از کل کشور	تعداد فقرا (هزار نفر)	جمعیت فقیر از کل جمعیت روستایی	از کل کشور	تعداد فقرا (هزار نفر)	جمعیت فقیر از کل جمعیت شهری	
۱۳	۹۹۶	۱۹	۳۳	۱۸۵۳	۱۰	مناطق مرکزی
۱	۱۰۷	۲۱	۱	۸۲	۱۱	استان مرکزی
۴	۳۲۳	۲۰	۴	۲۱۲	۹	فارس
۴	۲۷۴	۳۰	۷	۳۷۴	۱۲	اصفهان
۱	۴۴	۲۴	۲	۱۲۱	۲۱	یزد
۳	۲۰۳	۱۱	۱۶	۹۱۱	۹	تهران

۰	۴	۶	۲	۱۲۶	۱۴	قم
۱	۴۱	۲۱	۰	۲۷	۱۱	قزوین
۱۲	۹۱۷	۲۸	۸	۴۵۲	۱۵	حاشیه خزر
۴	۲۷۵	۲۴	۳	۱۴۳	۱۳	گیلان
۳	۲۲۶	۱۷	۳	۱۵۴	۱۲	مازندران
۶	۴۱۶	۵۲	۳	۱۵۵	۲۶	گلستان
۸	۶۲۱	۲۸	۷	۳۹۷	۱۴	شمال شرقی
۵	۳۸۲	۲۹	۴	۲۵۰	۱۲	آذربایجان شرقی
۲	۱۴۱	۵۵	۱	۵۵	۲۶	زنجان
۱	۹۹	۱۷	۲	۹۲	۱۶	اردبیل

ادامه جدول ۷

۲۴	۱۸۳۰	۳۶	۲۴	۱۳۷۵	۲۳	غرب
۵	۳۸۲	۳۲	۷	۳۷۶	۲۷	آذربایجان غربی
۳	۲۲۰	۳۱	۴	۱۹۸	۱۷	کرمانشاه
۴	۳۱۹	۴۹	۳	۱۷۰	۲۲	کردستان
۵	۳۵۴	۴۱	۵	۲۷۲	۳۲	همدان
۲	۱۲۸	۴۶	۱	۴۷	۱۳	چهارمحال
۳	۲۲۹	۳۴	۴	۱۹۸	۲۲	لرستان
۱	۶۹	۳۳	۲	۹۲	۳۶	ایلام
۲	۱۲۷	۲۸	۰	۲۲	۹	کهگیلویه
۱۰	۷۴۸	۳۱	۸	۴۵۹	۱۳	خلیج فارس
۶	۴۱۳	۲۸	۶	۳۲۵	۱۳	خوزستان
۲	۱۳۷	۴۲	۱	۸۲	۱۹	بوشهر
۳	۱۹۷	۳۰	۱	۵۲	۱۲	هرمزگان
۲۸	۲۰۹۲	۴۶	۱۹	۱۰۴۹	۱۸	شرق

۵	۴۰۰	۴۳	۳	۱۸۶	۱۸	کرمان
۱۵	۱۰۸۹	۴۴	۱۰	۵۸۳	۱۶	خراسان
۸	۵۶۵	۵۸	۵	۲۵۹	۳۳	سیستان
۱	۳۸	۲۵	۰	۲۰	۶	سمنان
۱۰۰	۷۴۹۹	۳۲	۱۰۰	۵۶۴۰	۱۴	کل مناطق

مأخذ: صالحی اصفهانی و سوری

در مقاله تحقیقی انجام شده با استفاده از روش «مدل مخارج خطی استون-گری» خط فقر در سال ۱۳۷۵ در استان سیستان و بلوچستان معادل ۳۹۲۳ ریال در روز محاسبه شده است. با استفاده از آمار درآمد و هزینه خانوار و شاخص قیمت‌ها، ۷۲/۱ درصد از جمعیت این استان در سال ۱۳۷۹ فقیر ارزیابی شده‌اند. (کشاورز، ۱۳۷۹)

۴) کاهش فقر در قوانین و مصوبات مختلف کشور و بررسی‌های مرتبط با این قوانین

در اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ریشه کن کردن فقر تأکید شده است. در بخشی از این اصل آمده است:

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

الف) تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

ب) تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند و لی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در آورد...

همچنین در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در بند «ک» ماده ۱ به کاهش نابرابری و فقر به عنوان یک راه از راه‌های تحقق عدالت اجتماعی تأکید شده است.

اولین گزارش در دوره برنامه دوم توسعه با عنوان «فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران» به انضمام متن لایحه پیشنهادی که در تیرماه ۱۳۷۵ از سوی سازمان

برنامه و بودجه تهیه و ارائه گردید. لایحه پیشنهادی به تصویب دولت وقت نرسید. (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵)

دومین گزارش با عنوان «برنامه مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانواده‌های کم‌درآمد - به انضمام متن مصوبه - در مهر ماه سال ۱۳۷۹ در دوره برنامه سوم توسعه از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و در اولین همایش «فقر در ایران» که در بهمن ماه ۱۳۷۹ در دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی برگزار گردید ارائه و مورد نقد و بررسی قرار گرفت و متن مصوبه پیشنهادی به تصویب هیأت دولت نرسید. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۹)

سومین گزارش در دوره برنامه چهارم توسعه با عنوان «سند کاهش فقر و هدفمند کردن یارانه‌ها» (هیأت دولت، ۱۳۸۴) به استناد ماده ۹۵ قانون برنامه چهارم توسعه (قانون برنامه چهارم توسعه: ۱۳) از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت رفاه تأمین اجتماعی در مرداد ماه سال ۱۳۸۴ تهیه و به تصویب هیأت وزیران رسیده و ابلاغ گردید. این سند شامل ۱۴ ماده، اهداف کیفی، اهداف کمی، سیاست‌های اجرایی، شاخص‌ها، منابع مالی مورد نیاز و دستگاه‌های اجرایی متولی می‌باشد.

۵) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

استراتژی‌های کاهش فقر در ایران با چالش‌های عمده‌ای مواجه‌اند. یکی از این چالش‌ها کاهش ناهماهنگی و ناسازگاری عرصه‌های نظری است؛ به این معنی که استراتژی‌ها برخاسته از دو دسته مطالعات‌اند:

الف) مطالعات نظری؛ ب) مطالعات اجرایی.

مطالعات نظری انجام شده عمدتاً از سوی دانشگاهیان و موسسات پژوهشی ارائه شده است. این مطالعات عمدتاً فاقد استراتژی‌های اجرایی و یا در حد کلی راهکارهایی را ارائه داده‌اند. مطالعات اجرایی انجام شده در پی ارائه راه‌حل‌های کوتاه‌مدت با جهت‌گیری‌های خاص، بدون ارائه راهکارهای تأمین منابع مالی و درصدد رفع عارضه ظاهری فقر بدون پدیده‌شناسی به عنوان آثار توسعه‌نیافتگی بوده‌اند.

به نظر می‌رسد با ایجاد شورای تلفیقی علمی - تخصصی و دعوت از صاحب نظران برجسته، متخصصان داخلی و خارجی برپایه‌های قوی علمی و پژوهشی این مطالعات برای تعیین وضع موجود و چشم‌انداز آینده صورت گیرد. البته لازم به یادآوری است که بسیاری از کشورها در تهیه سند ملی کاهش فقر از کارشناسان موسسات بین‌المللی نیز کمک می‌گیرند. این اقدام نه تنها به ایجاد تعامل قوی بین اندیشمندان داخلی و خارجی و انتقال تجارب مفید و دانش فراگیر جهانی و روز آمد می‌انجامد، بلکه در

مقایسه و ارزیابی دقیق یافته‌های داخلی با کشورهای و مناطق مختلف و ایجاد محیط علمی - تخصصی در مطالعات علمی و فنی کاهش فقر بسیار موثر خواهد بود.

به منظور تحقق چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی مبنی بر این‌که «ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل»، یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز «برخورداری از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد و تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب» می‌باشد و همچنین اجرای بندهای ۱۲* و ۱۳** سیاست‌های کلی برنامه چهارم در زمینه کاهش فقر و نابرابری به نظر می‌رسد رعایت ملاحظات زیر در طراحی و اجرای برنامه‌های کاهش فقر موثر و مفید باشد:

الف) پیش‌بینی مکانیزم‌های لازم در ساختار نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور برای کاهش و پیشگیری از فقر؛

ب) انجام مطالعات علمی به منظور بررسی علل، آثار و یافتن روش‌های کاهش فقر بر مبنای تجارب داخلی و بین‌المللی؛

ج) توجه خاص به حاشیه شهرها، مناطق توسعه‌نیافته و گروه‌های خاص اجتماعی بر مبنای طرح‌های ویژه کاهش فقر برای هر یک از آنان؛

د) ایجاد نظام پایش و ارزیابی کاهش فقر و اعلام نتایج به طور منظم در هر سال؛

ه) اتخاذ تدابیر مناسب به منظور تقویت و گسترش مشارکت فقرا در کلیه برنامه‌های کاهش فقر؛

و) طراحی و ایجاد فرصت‌های برابر و توانمندسازی فقرا و افراد در معرض فقر و ایجاد امنیت اجتماعی آنان به عنوان راهکارهای اصلی مورد توجه و تأکید قرار گیرد؛

ز) اجرای برنامه‌های جدید کاهش فقر به صورت آزمایشی در تعدادی از استان‌های کشور صورت گیرد و سپس در صورت موفقیت تعمیم داده شود؛

ح) معیارهای کارایی، اثر بخشی و پاسخگویی و شفافیت و آینده‌نگری در تدوین برنامه‌های کاهش فقر مورد نظر قرار گیرد؛

* بند ۱۲- تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقاء سطح شاخص‌هایی از قبیل آموزش، سلامت، تأمین غذا، افزایش درآمد سرانه و مبارزه با فساد.

** بند ۱۳- ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و موسسات و خیریه‌های مردمی با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی.

ط) بانک اطلاعاتی متخصصان حوزه مطالعات فقر و نابرابری فراهم گردیده و به طور مستمر و گسترده از آنان در بررسی‌ها و اقدامات برنامه‌های کاهش فقر استفاده مناسب به عمل آید؛
 ی) در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی «مرکز مطالعات فقر و نابرابری» با حمایت وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور جهت ساماندهی مطالعات حوزه فقر و نابرابری ایجاد گردد.

۱. اخوی، احمد. (۱۳۷۵)، آیا فقیران افزایش یافته‌اند؟ تحلیل و بررسی اقتصادی فقر، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش بازرگانی.
۲. بانک جهانی، فقر در ایران. (۱۳۸۲)، روند ساختار (۷۷-۱۳۶۵)، مترجمان صابر شیبانی و منیرالسادات سید کردستانی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اجتماعی، دفتر امور تأمین اجتماعی، تهران .
۳. حسن‌زاده، علی. (۷۳-۷۲)، اثرات تعدیل اقتصادی بر فقر، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد علامه طباطبائی، استاد راهنما جمشید پژویان. پایان‌نامه ۲۴۷.
۴. دینی ترکمان، علی. (۱۳۷۵)، بررسی وضعیت فقر غذایی در ایران، تحلیل و بررسی اقتصادی فقر.
۵. رئیس‌دانا، فریبرز. شادی‌طلب، ژاله. پیران، پرویز. (۱۳۷۹)، فقر در ایران، ویراستار رفیعی حسن، مدنی قهفرخی سعید، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
۶. سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اجتماعی. (۱۳۷۵)، گزارش طرح فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۷. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (۱۳۷۹)، برنامه مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانوارهای کم‌درآمد، به انضمام مصوبه، تهران.
۸. سوری، داوود. (۱۳۷۸)، فقر، نابرابری و رشد اقتصادی ایران، تهران.
۹. شیبانی اصل، صابر. (۱۳۸۳)، نقدی بر گزارش آرمان‌ها و اهداف توسعه هزاره جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۱۰. عظیمی، حسین. (۱۳۷۸)، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. عظیمی، حسین. (۱۳۷۱)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران،

- نشرنی.
۱۲. قاسمیان، سعید. جبازی، جیبیب. بزرگزاده، ابراهیم. دهستانی، حسین. خلیلی، اکرم. (۱۳۸۲)، **برنامه‌ها و سیاست‌های کاهش فقر در ایران**، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۱۳. کشاورز حداد، غلامرضا. (۱۳۷۹)، **گستره عمق فقر در سیستان و بلوچستان**، مجموعه مقالات همایش شناخت استعدادها و بازگانی - اقتصادی سازمان برنامه و بودجه، ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت.
۱۴. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۳)، **محاسبه فقر در ایران طی سال‌های ۸۲-۱۳۸۰**، مرکز آمار ایران. تهران، پژوهشکده آمار.
۱۵. **نهج البلاغه حضرت علی (ع)**. (۱۳۸۱)، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات مومنین.
۱۶. هیأت دولت. (۱۳۸۴)، **سند کاهش فقر و هدفمند کردن یارانه‌ها**، تهران.